



## از فاجعه «صبرا و شتیلا»-1982 تا فاجعه «خوجالی در قره باغ» - 1992

در فاجعه 16 سپتامبر 1982 مردم «صبرا و شتیلا» و ده سال بعد در ۲۶ فوریه سال ۱۹۹۲ اهالی شهر «خوجالی» جمهوری آذربایجان شاهد فجایع دردناکی بودند که مسبب اولی ارتش رژیم جعلی اسرائیل و عامل جنایت «خوجالی» ارتش ارمنستان بوده است و این روزها طی مراسمی در جمهوری آذربایجان، برای اثبات و محکومیت جنایت دوم از کسانی که خود را شهروند رژیم مسبب جنایت «صبرا و شتیلا» می دانند استفاده می شود!

به گزارش آران نیوز: این روزها مقارن با سالگرد واقعه دردناک خوجالی مراسم هایی با عناوین مختلف در راستای محکومیت این فاجعه تلخ تاریخی در حق مردم مظلوم و مسلمان جمهوری آذربایجان، در ۲۶ فوریه سال ۱۹۹۲ برگزار می گردد، فاجعه ای که در آن ارتش ارمنستان با ورود به شهر خوجالی آذربایجان افراد غیر نظامی بسیاری را به قتل رسانده و این شهر را با خاک یکسان کرد.

آنچه که مسلم است کشتار مردم بی پناه و غیر نظامی طبق قوانین تثبیت شده جامعه جهانی اقدامی غیر انسانی و محکوم به مجازات است و مردم و دولت جمهوری آذربایجان نیز در راستای محکومیت فجایع رخ داده در جنگ قره باغ همه ساله مراسم هایی را در این خصوص برگزار می نمایند و حتی در جمهوری اسلامی ایران نیز مراسم هایی با موضوع فاجعه «خوجالی» برگزار می گردد و امسال نمایشگاه بین المللی عکس تهران با موضوع «خوجالی» نیز در این خصوص پیرا شد.

قابل توجه و تامل اینکه، طی مراسم رسمی که در 25 فوریه امسال در مرکز کتاب باکو برگزار گردید از یک رمان با نویسندگانی از رژیم غاصب و کودک کش اسرائیل با عنوان درد ( pain ) رونمایی شد. کتابی که توسط آریه گوت، کارشناس اسرائیلی و پدرش " امیر گوت" درباره "فاجعه خوجالی" نوشته شده است و همچنین در این مراسم ملیح یئودایوف، رییس جامعه یهودیان کوهستانی نیز مشارکت و فاجعه خوجالی را عامل پیوند دهنده ملت های یهودی و آذربایجانی! معرفی کرد.

اگر نویسندگان اسرائیلی در کنار ادعای همدردی با فجایع خوجالی، چشمان خود را بر جنایات رژیم جعلی مطبوع خود بر علیه مردم فلسطین در فاجعه 16 سپتامبر 1982 «صبرا و شتیلا» باز می کردند و آن فاجعه را نیز محکوم می کردند، می شد این همدردی را نشأت گرفته از روحیه بشر دوستانه آنها تفسیر نمود ولی مسلم است که، شبکه نفوذ رژیم جعلی اسرائیل در راستای رخنه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیکی در جمهوری آذربایجان از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند و با ابراز همدردی و محکومیت چنین فجایعی(برخلاف ذات و ماهیت وحشیانه خود) سعی در جلب حمایت و اعتماد مردم و دولت جمهوری آذربایجان دارد.

لازم به توضیح است که نظامیان صهیونیست و نیروهای فالانتر لبنان به دستور آریل شارون وزیر جنگ وقت رژیم صهیونیستی که بعد ها به قصاب "صبرا و شتیلا" معروف شد از عصر روز پنج شنبه 16 سپتامبر 1982 با محاصره کامل اردوگاه صبرا و شتیلا به آن یورش برده تا صبح روز شنبه 18 سپتامبر به فجیعترین شکل به جنایات خود در این اردوگاه ادامه دادند و در این قتل عام بیش از سه هزار فلسطینی و لبنانی شهید شدند.

همچنین در ۲۶ فوریه سال ۱۹۹۲ ارتش ارمنستان با ورود به شهر خوجالی آذربایجان، افراد غیر نظامی را به قتل رسانده و این شهر را با خاک یکسان کردند. در نسل کشی خوجالی ۶۱۳ نفر کشته شده، صدها ساکن غیرنظامی جراحات سنگین دیده، ۱۲۷۵ نفر گروگان گرفته شدند. به اسرا و گروگان های گرفته شده شکنجه های طاقت فرسا داده شد.

در جنایت "صبرا و شتیلا" رژیم اشغالگر قدس موجب قتل مسلمانان در فلسطین شد و در جنگ قره باغ و فاجعه خوجالی ارتش ارمنستان، مسلمانان مظلوم این منطقه به خاک و خون کشید و اینها حقایقی غیر قابل پنهان بوده و باید مایه عبرت نسل های مسلمان امروزی و عامل وحدت آنان باشد.

دولت جمهوری آذربایجان می بایست با کنار گذاشتن سیاست به اصطلاح موازنه ای که در واقع سیاستی سردرگم و نفوذ پذیر و شکننده است، با اتکا به نویسندگان آزاده خود این از جنایات پرده برداشته و با همت سربازان مسلمان و غیرتمند آذری، قره باغ را به آغوش خود بازگرداند تا در آینده نزدیک، دوباره صدای اذان در کوچه های خوجالی طنین انداز شده و زندگی به قره باغ برگردد، انشالله.

انتهای پیام.../ا